

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره هفتم - مهر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۳

شیوه‌های نامگذاری عنوانها و شخصیت‌های داستانی در داستانهای معاصر
(مطالعه موردی: داستانهای ایرج پزشکزاد، ابوالقاسم پاینده، خسرو شاهانی،

فریدون تنکابنی)

(ص ۲۰۴-۱۸۱)

فریبا رشیدی^۲، رضا صادقی شهپر^۳ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: آبان ۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهمن ۹۸

چکیده

یکی از شگردهایی که در داستان پردازی با وجود اهمیت بسیار، در تحقیقات ادبی مورد غفلت واقع شده است، تکنیک نام‌گزینی برای عنوان داستانها و شخصیت‌های داستانی است. عنوان، آستانه ورود به متن و به مثابه پل ارتباطی میان متن و مخاطب است. همچنین کلیدی است که خواننده را در چگونه خواندن و درک معنای نمادین واژه‌ها یاری میرساند. بنابراین باید بگونه‌ای هنرمندانه انتخاب شود که بتواند با کمیت و محدودیت خود، کیفیت متن را به نمایش بگذارد. از طرف دیگر نام شخصیت‌های داستانی نیز میتوانند در انتقال مفاهیم و مضامین مورد نظر نویسنده نقش موثری داشته باشند. در این مقاله به بررسی نقش و اهمیت نام و شیوه‌های نام‌گزینی در عناوین و شخصیت‌های داستانی داستانهای ایرج پزشکزاد، ابوالقاسم پاینده، خسرو شاهانی و فریدون تنکابنی پرداخته‌ایم. نتایج تحقیق نشان میدهد که نویسندگان مذکور از روشهای تضاد، ترادف، بازی با نامها، استفاده از نامهای تاریخی و مشهور برای نامگذاری شخصیت‌های داستانی خویش استفاده کرده‌اند.

کلمات کلیدی: نامگذاری، عنوان داستان، ایرج پزشکزاد، ابوالقاسم پاینده، خسرو شاهانی، فریدون تنکابنی.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
(Faribarashi@iauh.ac.ir)

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
(Reza.shahpar@iauh.ac.ir)

**Humorous Styles in Contemporary Humorous Short Stories
Based on Fictional Titles and Characters
(Case Study: Short Stories by Iraj Pezhkozađ, Abolghasem
Payandeh, Khosro Shahani, Fereydoon Tonekaboni)**

Fariba Rashidi^۱, Reza Sadeghi Shahpar^۲ (Corresponding Author)

Abstract

One technique that has been overlooked in literary research in humor, despite its importance, is the naming technique for storytelling and fictional characters. The title is the gateway to the text and as the bridge between the text and the audience. It is also key in helping the reader read and understand the symbolic meaning of words. So it has to be artistically selected so that it can display the quality of the text with its limitations. On the other hand, the names of fictional characters can play a role in conveying the author's concepts and themes in addition to making them laugh. In this article, we examine the role and importance of name and naming practices in the fictional characters and characters of Iraj Pezzkadar, Abolghasem Payandeh, Khosro Shahani, and Fereydoon Tonekaboni. The results show that the authors have used methods of contradiction, synonymy, game with names, the use of historical and famous names to name their fictional characters.

Keywords: naming, Iraj Pezhkazard, Abolghasem Payandeh, Khosro Shahani, Fereydoon Tonekaboni

1 - PhD student of Persian language and literature, Hamadan branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran (Faribarashi@iauh.ac.ir)

2 - Associate Professor of Persian Language and Literature, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran (Reza.shahpar@iauh.ac.ir)

۱- بیان مساله

آغاز و شروع متن، مختص عنوان است و اولین برخورد مخاطب و متن است. عنوان در راس قرار میگیرد و مدار متن بر دور آن میگذرد، لذا باید بگونه‌ای هنرمندانه انتخاب شود که بتواند مضمون و محتوای متن را به نمایش بگذارد. «غالباً میان جریان حاکم بر متن و عنوان رمان ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. بر این اساس عنوان اثر از آنجا که صورت اجمالی و فشرده آن چیزی است که جهان ذهنی نویسنده بر آن حاکم است، میتواند به کشف لایه‌های گفتمان پنهان حاکم بر یک دوره ادبی منجر شود. تحلیل نشانه-معناشناختی رمانهای سیاسی فارسی از ۱۳۵۱-۱۳۸۰، گرجی: ۱۸۵)

جستجو برای یافتن عنوانی برازنده و زیبا برای اثر هنری و ادبی، موضوعی است که از گذشته‌های بسیار دور تا به امروز، ذهن هر نویسنده و شاعر و محقق را به خود مشغول کرده است. در دوران معاصر نیز عنوان جزئی از ساختمان معنایی اثر به شمار میرود و هر شاعر و نویسنده‌ای سعی میکند عنوانی برای اثر خود انتخاب کند که با مضمون و محتوای اثرش تناسب داشته باشد. «انتخاب مبهم عنوان باعث پوشیدگی معنای متن میشود. عنوان که به نزدیک‌ترین شکل، متن اثر را احاطه کرده است و توضیحاتی درباره‌اش ارائه میدهد و گاه بی آن نمیتوان به متن اصلی دست یافت، نشانی از هویت متن را به همراه دارد و از موضوع درونمایه اثر اطلاعاتی در اختیار مخاطب قرار میدهد. (مطالعه روابط یک متن با دیگر متنها، نامور مطلق: ۹۰-۹۱) به باور شفیعی کدکنی، نقش عنوان در متن تا حدی است که تحلیل ذهنیت یک نویسنده و حالات درونی وی، با توجه به عناوین آثار او ممکن است. (شعر معاصر عرب، شفیعی کدکنی: ۲۶۵)

از طرف دیگر، خلق نامهای مناسب برای شخصیتهای داستانی بر عهده نویسنده داستان است. نویسنده میتواند با توجه به فضا و درونمایه داستان، انواع نامها را به صورت عام، خاص، ترکیبات وصفی و... برای شخصیتهای در نظر بگیرد یا حتی میتواند برای شخصیتهای نامی نیارود و یا از علائم نگارشی و اسامی حروف الفبا استفاده کند. «در داستان، نام‌گذاری نقش مهمی به عهده دارد، اسم برچسب ساده‌ای نیست که نویسنده بر شخصیت بزند. برچسبی که بتوان آنرا با شماره‌ای عوض کرد. بارت معتقد است خواندن داستان عبارت است از نامیدن شخصیتی. نویسنده برای شخصیت مورد نظر، نامی انتخاب میکند (و یا نمیکند) خواننده با این اسم و توصیفهای نویسنده به مجموعه‌ای از مشخصه‌های معنایی دست پیدا میکند. اسم خاص باعث میشود که شخصیت بیرون از مشخصه‌های معنایی وجود داشته باشد، مشخصه‌هایی که مجموعه آنها کل شخصیت را میسازد. خواننده به کمک اسم خاص به هستی شخصیت داستان دست پیدا میکند. مشخصه‌های معنایی شخصیت، تنها سرآغاز راه

اوست، جاده‌ای است که به معنا میرسد. شخصیت نمیداند که انتهای جاده کجا خواهد بود و این روند به نام‌گذاری در داستان مربوط است. (ساختار و عناصر داستان، پارسی نژاد: ۶۵) داستان پرداز خوب کسی است که برای آفریدن یک اثر ماندگار، علاوه بر توجه به عبارات و مفاهیم، کلمات و نامهای داستانش را با دقت انتخاب میکند و در انتخاب کلمات و چگونگی جای‌گیری واژه‌ها در عبارات و سواص به خرج میدهد بطوریکه برای نامگذاری قهرمانان داستان خود هیچ وقت از اسامی پرکاربرد اجتماع و اسمهای عادی استفاده نمیکند. در این مقاله، پس از بیان اهمیت انتخاب نام داستان و شخصیتهای داستانی، به بررسی و تشریح عناوین و شخصیتهای داستانی در داستانهای ایرج پزشکزاد، ابوالقاسم پاینده، خسرو شاهانی و فریدون تنکابنی پرداخته‌ایم.

۱-۱- ضرورت و اهداف تحقیق

نام و عنوان کلید ورود به دنیای پر از راز و رمز متن به شمار می‌آید. عنوان در متن، یک ضرورت حتمی و مطلب اساسی است که در ساختار عمومی متن نمیتوان آن را نادیده گرفت. خواننده پیش از خواندن متن با عنوان روبه‌رو میشود که گاه ذهن مخاطب در مواجه شدن با عنوان درهم میشکند یا برعکس تایید میشود. بنابراین، عنوان مسئله‌ای بحث برانگیز است. بحث درباره شگردهای داستان پردازی در کتابها و مجلات و مقالات بسیاری مطرح شده است اما آنچه در این مقاله مورد تاکید بوده، بررسی نقش و اهمیت عنصر «نام» در عناوین داستانها و شخصیتهای داستانهای معاصر است و به شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در خصوص نقش و اهمیت نام و عنوان در داستانهای معاصر، پژوهش مستقلی انجام نشده است و تنها چند مقاله، به بحث و بررسی درمورد عنوان کتاب پرداخته‌اند: معاشناسی نام مجموعه‌ها در کتاب «شعر معاصر عرب» از شفیعی کدکنی، «نام‌گزینی در روزگار سپری شده دولت آبادی» از قهرمان شیری، «عنوان کتاب و آیین انتخاب آن» اثر محمد اسفندیاری، «تحلیل نشانه معاشناختی رمانهای سیاسی فارسی از ۱۳۵۱-۱۳۸۰» از مصطفی گرچی، «عنوان آثار هنری و ادبی ایرانی» اثر بهمن نامور مطلق، «تحلیل تطبیقی عنوان در آثار صادق هدایت و زکریا تامر» از ابراهیم محمدی و همکاران.

۲- اهمیت انتخاب عنوان و اسامی شخصیتهای داستانی

عنوان یکی از خلاصه‌ترین اشکال در بیان موضوع و محتواست که اگر همراه با کارکردهای ادبی باشد، هنر آفریننده را نیز نشان میدهد. یکی از الگوهای تحلیل و تبیین متن، تحلیل ساختار متن یا انسجام متن با توجه به نام و عنوانهای اصلی آن است که شامل روابط و مناسبات میان جملات و عباراتی است که در یک اثر آورده میشود تا آن را به یک ساختمان

منسجم و همبسته تبدیل کند، زیرا میان عنوان و مقدمات هر جزء هنری و ادبی و با شاکله متن ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که کشف این ارتباط در محورهای زبانی، ساختاری و محتوایی میتواند به تحلیل واقعی متن منجر شود. (نقب و نقدی بر عنوان‌شناسی کتابها و اشعار سلمان هراتی، گرجی و همکاران: ۲۴) با توجه به این که عنوان، دارای کارکردهای متفاوتی است و نشانی از هویت متن محسوب میشود، نویسندگان و شاعران در انتخاب آن بر اساس دلایل متعددی عمل میکنند، آن را همچون نقابی بر چهره متن میکشند تا حس کنجکاوی مخاطب را برانگیزند و او را به کاوش در متن وادارند. نوبرت بر این باور است که عنوان، پرسشی را که فقط متن میتواند به آن پاسخ دهد مطرح میکند. عنوان میگوید، در عین حال پنهان میکند؛ مینمایاند و مخفی میکند، نادانی را طرح و میل به دانستن را خلق میکند. (مجموعه مقالات چهارمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر به انضمام مطالعات هم‌اندیشی سینما، کنگرانی: ۸۵) عنوان باید بگونه‌ای هنرمندانه انتخاب شود که بتواند با کمیت و محدودیت خود، کیفیت متن را به نمایش بگذارد. گاهی عنوان همچون نوری به دنیای متن میتابد و محتوای آن را روشن میکند؛ گاهی نیز چون حجابی بر فراز دنیای متن قرار میگیرد که نه تنها هیچ نشانی از آن را در اختیار خواننده قرار نمیدهد، بلکه در ذهن وی تنش ایجاد میکند و او را به سوی خواندن متن تشویق میکند یا نسبت به آن دلزده میکند. (تحلیل تطبیقی عنوان داستان در آثار صادق هدایت و زکریا تامر، محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۱)

دلایل اهمیت عنوان از دیدگاه ژنت عبارتند از: ۱- عنوان هر کتاب، آن را از سایر هم‌نوعانش مشخص میسازد و کار طبقه‌بندی درست آن را ممکن میسازد. ۲- هر عنوانی توصیفی است از مضمون کتاب و یا داستان ۳- عنوان مناسب، خواننده را به محتوای اثر تشویق میکند. ۴- گاه عنوان بیانگر سبک و شیوه روایت است. (خوانش هرمنوتیکی نام داستان در سه قطره خون صادق هدایت و ربیع فی الرماد زکریا تامر، محمدی و همکاران: ۱۵۱) اما بیشاپ معتقد است که اسم رمان اهمیت زیادی برای رمان ندارد، زیرا محتوای آن را برای خواننده مشخص نمیکند. مثلاً کسی که رمان مشهور «موبی دیک» نوشته هرمان ملویل را نمیشناسد و داستان آن را نمیداند، با شنیدن اسم «موبی دیک» به هیچ وجه از محتوای آن سر در نمی‌آورد. زیرا در عنوان آن نه از مخاطرات صید نهنگ خبری هست و نه از دیوانگی و روح جستجوگر اسماعیل. عنوان رمان وقتی برای مردم معنی پیدا میکند که کتاب را بخوانند و به انتهای آن برسند و مردم وقتی اثری را به خاطر میسپارند که بپذیرند آن اثر به یاد ماندنی است. بنابراین رمان ضعیف با هر اسمی، باز هم ضعیف است. (درسهایی درباره داستان نویسی، بیشاپ: ۴۱۴-۴۱۵)

نویسندگان در گزینش نام اثر خود، به صورت خودآگاه و بر اساس عوامل گوناگون معنایی- ساختی عمل میکنند و آن را به عنوان کلیدی در اختیار مخاطب قرار میدهند تا مخاطب بتواند به محتوای داستان و نیز دیدگاه نویسنده پی ببرد. همان‌گونه که هویت اشخاص با نامشان مشخص میشود، با بررسی نام داستان نیز میتوان به محتوای اثر، علاقه، آرزوها، اعتقادات و اندیشه صاحب اثر، شرایط سیاسی، اجتماعی، محیطی و... پی برد. گاه نویسنده در برخی عناوین از رمز و ابهام استفاده میکند که با توجه به آن نمیتوان مستقیم به محتوای اثر پی برد و تنها با بررسی و تحلیل عناوین آثار میتوان پرده از جهان ذهنی نویسنده برداشت و عواملی را که سبب شده است وی از پوشیدگی معنایی استفاده کند، کشف کرد (خوانش هرمنوتیکی نام داستان در سه قطره خون صادق هدایت و ربیع فی الرماد زکریا تامر، محمدی و همکاران: ۱۵۶). یونسی مینویسد: عنوان داستان برجسی است که نویسنده آن را برای متمایز کردن داستان خود از سایر داستانها به کار میبرد. یافتن عنوان خوب امری ساده نیست. عنوان داستان در نظر اول باید توجه خواننده را جلب کند. برای دستیابی به چنین امری، عنوان باید «خبر از چیزهای نو» و بکر بدهد تا خواننده فکر کند با مطالب تازه‌ای روبرو خواهد شد. ویژگیهایی که عنوان داستان باید داشته باشد عبارتند از: ۱- نو باشد، یعنی بوی کهنگی و پوسیدگی ندهد. ۲- موزون و گیرا باشد. ۳- متناسب با مضمون داستان باشد. چون در غیر این صورت خواننده فکر میکند فریب خورده است. ۴- طرح داستان را آشکار نکند. زیرا در غیر این صورت اوجی را که با صرف وقت و زحمت فراهم شده است از پیش لو خواهد داد. ۵- عبارات کهنه و پیش پا افتاده و ضرب المثلهای ساده نباشد. عبارات دو یا چند پهلو میتوانند عنوانهای خوبی باشند. ضعیفترین عنوان، عنوانی است که نام شخصیت اصلی داستان باشد. اگر نویسنده میخواهد از اسم شخصیت داستان برای عنوان داستانش استفاده کند، بهتر است که «اسم» را به عنوان جزئی از «عنوان داستان» به کار برد. مانند: «عشق و آقای لوی‌شام» نوشته «اچ. جی. ولز» عنوان داستان هر قدر ساده و کوتاهتر باشد، بهتر است. زیرا عنوانهای طولانی تأثیری در انتخاب خواننده ندارد. گاه ارزش یک کلمه واحد که لطف و معنای خاصی داشته باشد از چند کلمه سست و بی‌روح بیشتر است. «توفان» و « جوانی» اثر جوزف کنراد و «افسانه» نوشته کلمنس دین، نمونه‌های خوب عنوانهای یک کلمه‌ای هستند. از عنوانهای مناسب دیگر، عنوانهای پرسشی هستند. مانند: «چه کسی آخر از همه صحبت کرد؟» یا «حرف آخر را کی زد؟» (هنر داستان نویسی، یونسی: ۱۰۸-۱۱۳) یا «به کی سلام کنم؟» که از نظر ساخت صوری غالباً از یک اسم و متمم و یا از یک گروه اسمی که شامل یک هسته و چند وابسته است تشکیل میشود. مانند: «بزرگ بانوی روح من» اثر گلی ترقی. (مهیار، ۱۳۷۸: ۵۲) گاهی نامهایی که برای عنوان کتابها انتخاب میشود، به قدری معنادار است که گویی همه خطوط فکری یا زندگی شاعران

و نویسندگان به صورت بسیار فشرده و فهرست‌وار در درون آن نامها گنجانیده شده است. نام‌گزینی در روزگار سپری شده دولت‌آبادی، شیری: ۱۱۹)

در اوائل قرن بیستم، نویسندگان و شاعران سمبولیست متوجه ارتباط شکل ظاهری کلمات و بار عاطفی آنها، آهنگ کلمه و حس‌آمیزی توأم با آن شدند. مارسل پروست، معتقد بود که اسم خاص دارای جادوست و در رمان «در جستجوی زمان از دست رفته» به حس‌آمیزی و بار عاطفی اسم شخصیتها توجه داشت. زبان‌شناسان و منتقدان ادبی نیز به آهنگ و شکل ظاهری اسمهای داستانی و رابطه نامها با مضمون داستان توجه کرده‌اند. بوریس آیخن باوم، منتقد بزرگ روس، پژوهشی درباره داستان «شنل» اثر گوگول انجام داد و به این نتیجه رسید که میان آوا و طنین اسمهای خاص این داستان با مضمون مورد نظر گوگول ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. (دستور زبان داستان، اخوت: ۱۶۷)

آلدوس هاکسلی یکی از نویسندگانی بود که معتقد بود: در داستان، اسامی اشخاص خیلی مهم است. و حواس نویسنده باید جمع باشد که از اسمهای مناسب و معنادار در داستانهای خود استفاده کند. او بیشتر به تجربه‌های خود در انتخاب نام برای شخصیت‌های رمانهایش استناد میکند تا اهمیت انتخاب نام را نشان دهد. (نام‌گزینی در روزگار سپری شده دولت‌آبادی، شیری: ۱۱۷)

بالزاک معتقد بود که اسم باید با خصوصیات روحی، فکری و اخلاقی بازیگر مناسب باشد و نمودار شخصی باشد که آن اسم را دارد. وی مانند بسیاری از نویسندگان، شخصیت‌های اطرافش را در داستان داخل می‌کرد و در مورد اسامی آنها سخت به خود زحمت می‌داد. (داستان و شخصیت‌پردازی در داستان، عبداللهیان: ۴۲۰)

دیوید لاج مینویسد: در رمانها، نامها هرگز خنثی نیستند. همیشه دال بر چیزی هستند، حتی اگر عادی بودن و معمولی بودن را برسانند. نویسندگان کمیک یا اندرژگو ممکن است در نام‌گذاریها بسیار مبتکر یا تمثیل‌گرا باشند. (هنر داستان نویسی، لاج: ۸۰-۸۱)

۳- بررسی نام داستانها

۳-۱- ساختار صرفی - نحوی عنوان داستانها

عنوان داستان، گاه از یک واژه، گاه ترکیب چند جزئی و گاه از جمله تشکیل میشود که بسیط یا جمله بودن آن، نشان‌دهنده تأکید و علاقه نویسنده به مطلب خاصی است. زمانی که عنوان به صورت جمله آورده میشود، به نظر میرسد نویسنده تمایل دارد بیشتر درباره رخدادهای متن توضیح دهد یا گاهی به منظور پوشاندن متن از واژه‌های متناقض استفاده نماید. فتوحی معتقد است ساخت نحوی یک گزاره و کیفیت نظم واژه‌ها در جمله، نسبت میان ایده نویسنده و پدیده‌ها را تعیین میکند و هر نوع نظم از یک گروه واژه‌ها، حامل معنایی متفاوت است، تغییر نظم کلام رتبه عناصر زبان را ارتقا و تنزل میدهد. معمولاً یک

عنصر زبانی که در آغاز جمله قرار می‌گیرد، جایگاه آن والاتر میشود و مورد تاکید قرار می‌گیرد. سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ۲۷۲)

از جمله عنوانهای بسیط در داستانهای مورد مطالعه میتوان به موارد زیر اشاره کرد: «بوبول»، «موشی»، «انگور»، «خاخا»، «موش» (در داستانهای ایرج پزشکزاد)؛ «باد»، «ربابه»، «کوچ»، «همسفر»، «برف‌انداز»، «زندانی»، «ملا شمعون» هم قسم‌ها» (در داستانهای خسرو شاهانی).

در عناوین ترکیبی، تقدم برخی واژه‌ها، نشان‌دهنده اهمیت این واژه‌هاست. از جمله عنوانهای ترکیبی (اضافی) در داستانهای مورد مطالعه میتوان به موارد زیر اشاره کرد: «سبیل منوچ»، «آخرین آرزو»، «هدیه فرشتگان»، «اسم رمانتیک»، «نگ بی‌پولی» (در داستانهای ایرج پزشکزاد)؛ «مرده کشان جوزان»، «پول بانک استقراضی»، «ماموران دفع ملخ»، «مفتش شاه»، «معجزه مسیح»، «کارت طلایی حضرت اشرف»، «مفتی حلب»، «قاضی بلخ»، «حاکم قنسرین»، «تنوین غلط»، «غیبگویی خان مغول»، «هنر و هاضمه ارباب»، «راز مگوی حمال قوزی»، «کیمیای سبزوار»، «نشان علمی فیلیپور میرزا» (در داستانهای ابوالقاسم پاینده) «سد بلارود»، «بخشنامه ۷۵۸۹۳۲»، «لباس عید»، «آخرین مشتری»، «ساعت گل»، «قصه دختر فقیر» (در داستانهای خسرو شاهانی) «زندگی قسطی»، «کتاب انسان»، «موقعیت مناسب»، «زندگی خوش دلپذیر ما»، (در داستانهای فریدون تنکابنی)

و از عناوین ترکیبی وصفی: «فرهاد بی‌بنیاد»، «نسل بیچاره»، (در داستانهای ایرج پزشکزاد)؛ «کنجکاوای درباره مژه شراب»، «کمیتة مخفی»، «تلفن سرگردان»، (در داستانهای ابوالقاسم پاینده) «کمدی افتضاح»، (در داستانهای خسرو شاهانی) «ستاره‌های شب تیره»، «یک محفل بسیار بسیار هنری» (در داستانهای فریدون تنکابنی)

زمانی که عنوان به صورت جمله می‌آید، به نظر میرسد نویسنده تمایل دارد بیشتر در مورد رخدادهای متن توضیح دهد و یا گاه به منظور پوشاندن متن از واژه‌های متناقض استفاده میکند. (خوانش هرمنوتیکی نام داستان در سه قطره خون صادق هدایت و ربیع فی الرماد زکریا تامر، محمدی و همکاران: ۱۵۲) تنها در داستانهای فریدون تنکابنی و خسرو شاهانی عنوان داستان به صورت جمله دیده میشود. در داستانهای تنکابنی: «مردی که مرد»، «مادربزرگ خواب نبود» (از مجموعه اسیر خاک)؛ «زندگی یعنی مبارزه». (از مجموعه ستاره‌های شب تیره) «آموزگاری کشته شد...»، «وزنتو امتحان کن»، «افسر را ترجیح می‌دهم!» (از مجموعه یاداشتهای شهر شلوغ)، «فقط همینش مانده بود»، «راننده‌ای که عاشق بود»، «غلط کردی»، «شعار بده، شعار نده» (از مجموعه سرزمین خوشبختی) و در داستانهای شاهانی: «بگو چهل و چهار»، «چی فکر میکردم چی شد» (از مجموعه پهلوان محله)

از منظر وجوه افعال، بیشتر داستانها دارای وجه اخباری هستند و وجه انشایی بندرت توسط این نویسندگان استفاده شده است، چنانکه در عناوین داستانها، وجه پرسشی دیده نمیشود. با توجه به این که «وجه اخباری، بیانگر وقوع یا عدم وقوع قطعی یک رخداد است و در متن داستانی یا شعر، بسامد بالای وجه اخباری بیانگر ارتباط نزدیک گوینده با رخداد است» (سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ۱۸۷) میتوان گفت وجه اخباری از خوانش جدید مخاطب میکاهد ولی جملات انشایی، مخاطب را در درک پیام و خوانش آزاد میگذارند. البته گاه جملات خبری نشانگر تاکید نویسنده بر مطلب خاصی هستند و صرفاً برای انتقال خبر به کار نمیروند.

۳-۲- عناوینی که دارای بار معنایی عامیانه هستند

«بوبول»، «شوشوجان»، «رودل کامی»، «موشی»، «خاخا»، «مرتاض هی هندی هه»، «موش»، «سبیل منوچ»، «آرتیست بازی»، «زبان پلوخوری»، «لولو عینکی» (از مجموعه داستان بوبول ایرج پزشکزاد)؛ «زندگی قسطی»، «مرد خیالاتی و سوسمار» (از مجموعه ستاره‌های شب تیره اثر تنکابنی)؛ «تخم مرغ دزد»، «خدا، شیطان و بلیط بخت‌آزمایی» (از مجموعه اسیر خاک اثر تنکابنی)؛ «کمدی افتتاح»، «ملا شمعون» (از مجموعه کمدی افتضاح اثر خسرو شاهانی)؛ «مرده کشان جوزان»، «پول بانک استقراضی»، «ماموران دفع ملخ»، «کارت طلایی حضرت اشرف»، «هنر و هاضمه ارباب»، «راز مگوی حمال قوزی»، «کیمیای سبزوار»، «نشان علمی فیلیپور میرزا»، «تلفن سرگردان»، (از مجموعه مرده کشان جوزان اثر ابوالقاسم پاینده) دارای معنایی عامیانه هستند.

۳-۳- عناوین مرکب از دو قطب معنایی متضاد

در نام داستان «ظلمات عدالت»، عدالت واژه‌ای است با معنای مثبت و روشن، که با ظلمات که واژه‌ای است منفی و تاریک همراه شده است و ترکیبی پارادوکسی ایجاد کرده است.

در نام داستان «پنجه عدالت» از خسرو شاهانی بر اثر همنشینی دو واژه با دو قطب معنایی متضاد (پنجه و عدالت) تضاد به وجود آمده است. در داستانهای «کدخدای خجالت آباد»، «زوج خوشبخت» و «صندوق سعادت» از شاهانی نیز براساس تضاد انتخاب شده است.

۴-اسامی شخصیتهای

درباره ارتباط میان اسم و شخصیتهای داستانی کوششهای معدودی انجام شده که شایسته‌ترین آنها پژوهش فلیپ هامون، نشانه‌شناس فرانسوی است. هامون در مقاله «نشانه‌شناسی شخصیتهای داستانی» مینویسد که یک شخصیت میتواند به چهار صورت، ویژگیهای او را بیان کند: ۱- ارتباط بصری: هامون در این باره دو حرف O و I انگلیسی را

مثال میزند که اولی میتواند در اسم شخصیتی که چاق است به کار رود و دومی برای افرادی که قد بلند هستند مناسب است. ۲-ارتباط آوایی: در این مورد میتوان به نام آواها اشاره کرد که ارتباط دال و مدلول شفاف است و به اصطلاح معنی کلمه از معنای اجزای سازنده آن (در این مورد خاص معنای کلمه با صوت آن) مشخص میشود، مانند: تاپ‌تاپ، گرومپ گرومپ و نظایر آنها. ۳-ارتباط از نظر تولید آوا: گاهی نویسنده داستان به علل مختلف، نامی برای شخصیت مورد نظر خود انتخاب میکند که آن را مشکل میتوان تلفظ کرد. مثلاً قسطنطنیه و مانند اینها، با این شگرد نویسنده میتواند برخی از خصوصیات شخصیت مورد نظر خود را غیر مستقیم به خواننده القا کند. ۴-استفاده از اسامی نمادی: اسمهایی از قبیل آقای اسبقی، آقای کاربر، طاووس خانم، ملوس خانم، آقای مساوات، آقای وجدانی و... که بیشتر برای طنز به کار میروند. (دستور زبان داستان، اخوت: ۱۳۲-۱۳۴)

جورج لیکاف، زبان‌شناس آمریکایی معتقد است که ارجاع در داستان به چهار شکل انجام میشود: ۱-اسم خاص ۲-توصیف ۳-اسم عام (یا نوع و جنس) ۴-ضمیر که میتوان به این چهار شکل لقب، عنوان شغلی و عبارت توصیفی همراه با اسم عام را اضافه کرد. اخوت در دستور زبان داستان، شکل‌شناسی اسمهای داستانی را در چهار محور: الف) نام/بی‌نام. ب) زاویه دید. ج) اسم خاص / اسم عام د) خطاب، مطرح کرده است. (همان، ۱۶۱-۱۶۳)

نامگذاری در داستان، مانند سبک نویسندگی از نویسنده‌ای به نویسنده دیگر متفاوت است و نویسندگان در آن آزادی عمل دارند. آگاهی از این نکته که هدف نویسنده از آوردن و حتی خلق هر نام چه بوده است، میتواند مخاطب را در درک بهتر معانی پنهانی و رمزهای نهفته در آن یاری دهد. «اگر به داستانها بنگریم، همیشه در نام‌گذاری شخصیتها تعمدی بوده است تا نام، متناسب با ویژگیهای فرد باشد، ولی سبک نام‌گذاری نویسندگان با یکدیگر متفاوت است. (شیوه‌های شخصیت‌پردازی، عبداللهیان: ۶۸) «ابوالعبر شاعر هاشمی عباسی (در گذشته ۲۵۰ ه.ق) که از راه طنزپردازی ارتزاق می‌کرد و شاگرد پرورش می‌داد، میگوید: اولین درسی که در هزل گویی (طنزپردازی) باید یاد بگیرید، قلب اشیاء یا دگرگون کردن نامها و چیزهاست. (مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران، حلبی: ۷۰) نویسندگان دوره رمانس و افسانه نیز از اهمیت نامگذاری آگاه بودند. در ادبیات کهن فارسی، داستانهای بسیاری مشاهده میشود که نام قهرمانان آنها خیر و شر است و هرکدام از آنها متناسب با نام خود عمل میکنند، مانند هزار و یک شب و هفت پیکر. در کمدی قرن هجدهم، نامهای تمثیلی یا شبه تمثیلی مشاهده میشود که به جای نامگذاری مستقیم، عناوین و القاب به کار می‌بردند و این عنوانها، حالت کلی پیدا می‌کرد و در آثار دیگر نیز تکرار می‌شد، به حدی که نام، خود جنبه نمادین می‌یافت. اما با گذشت زمان، با توجه به پیچیده‌تر شدن داستان‌نویسی،

نامگذارها نیز پیچیده‌تر شدند، به طوری که گاه هیچ ارتباطی بین نام و شخصیت نمیتوان یافت. (شیوه‌های شخصیت‌پردازی، عبداللهیان: ۶۸)

۴-۱- بررسی شیوه‌های نامگذاری شخصیتها در داستانهای کوتاه ایرج یزکشزاد، ابوالقاسم پاینده، خسرو شاهانی و فریدون تنکابنی

۴-۱-۱- انتخاب اسامی که با شخصیت داستانی در تضاد هستند:

یعنی نامهایی که براساس صنعت تضاد شکل گرفته‌اند و حالت تحقیر و تمسخر دارند. گاه نویسنده از پدیده یا شخصیتی شروع به تعریف میکند، اما همین که خواننده برداشت مثبتی میپروراند، ناگهان روند متن تغییر میکند و با جملاتی خلاف اندیشه اولیه اش مواجه می‌شود. مثلاً در داستان «دفاع از ملانصرالدین» ابتدا «امتحان حضور» با توصیف مفصلی فردی متدین معرفی میشود، اما ناگهان همین شخصیت، فردی رشوه‌گیر از آب درمی‌آید که با اشاره غیر مستقیم مشخص میشود: «آن مرد خوب شریف امین یعنی امتحان حضور که همیشه تسبیح صد دانه به کف داشت و ذکر خدا میگفت و هر شب جمعه تا حضرت عبدالعظیم می‌رفت و پانصد متری حرم از مرکوب دولتی که می‌گفت غضبی است و نباید به حرم نزدیک شود پیاده می‌شد و با گردن کج تا حرم می‌رفت و زیارت‌نامه مفصل عربی را با خضوع کامل و تجوید دقیق می‌خواند و اگر با آشنایی در حرم بود های‌های اشک میریخت، مگر این آقای خوب با این همه تقوا، رشوه می‌گرفت.» (دفاع از ملانصرالدین، پاینده: ۵۶)

در داستان قاضی بلخ، با وجود قضاوت نادرست قاضی، شاکی او را عدالت پناه خطاب میکند: «جناب عدالت پناهی! من از دعوی گذشتم. قضای خدا میخواست فرزند چشم به دنیا ننگشده مرا نابود کند.» (مرده‌کشان جوزان، پاینده: ۱۹۳)

در داستان مرده‌کشان جوزان، سیدی که مدام دروغ می‌گوید، عنوان راستگو مییابد: «درکار افزودن حوادث نیز سید راستگو هنری خارق العاده داشت.» (مرده‌کشان جوزان، پاینده: ۱۶۰)

پاینده برای برجسته کردن شخصیت‌های داستانش، عناوینی به آنها میدهد که برخی از اسامی بیان‌کننده ویژگی بارزی در آن اشخاص است، اما در بیشتر موارد، برداشت معکوس مورد توجه نویسنده بوده است که همین شگرد، طنز و گیرایی کلام او را دوچندان کرده است: «شوخی‌دولت کوچک میگفت: نام من شوخ بود، اما هنر شوخی خاص دیگران... بصیر السلطنه کور و عمادالملک قوزی و رکن‌الملک شل و عقیف‌الملک دلال و شیخ‌الملک رقاص (دفاع از ملانصرالدین: ۱۴۰) شعوری، فرزند شعورالدوله ثانی، نبیره شعورالدوله بزرگ، رکابدار شاه شهید در سفر طالقان و صاحب نشانهای مکرر از کل دول

خارج و توابع، از آن روزی که چشم به دنیا گشود، عاشق بیقرار بود. (دفاع از ملانصرالدین، پاینده: ۵۲) «بیچاره شعوری، از نام خود نشانی نداشت (همان: ۶۸)

خسرو شاهانی برای تاثیر گفته‌هایش به شخصیت‌های منفی نامهایی متضاد میبخشد؛ مانند آقای صداقت‌پیشه (که شخصی دروغ‌گو است) آقای خوش‌اندام که از دست زنتک کتک میخورد، در داستان «فرشته نجات»، آقای پاک‌نواز، آقای یتیم‌نواز، در داستان «جلسه معارفه»، شریف‌المله، وجیه‌المله، حبیب‌المله، لطیف‌المله، در داستان «سفر به فضا»، آقای درستکار، ارباب انصاف‌خان، در داستان «صندوق سعادت»، آقای درست‌زاده، آقای صداقت‌پور، آقای پاکیزه‌دامن، در داستان «تصفیه حزبی» یا عقیقه‌خانم، شرم‌علی، دکتر درست‌پور، دکتر بیچاره‌نواز، دکتر صداقت‌زاده، پاک‌فامیل، خادم‌المله، و یا نامهایی صادقانه و مترادف و سرزنش‌آمیزی مانند سینه‌پهن، پاکیزه‌دامن، شکم‌پرست. شاهانی با صراحت بسیار، القاب و مقام‌های بیهوده‌ای را که افراد محترم شهر بر خود میگذارند را به تمسخر میگیرد: در داستان «کدخدای خجالت‌آباد» از خسرو شاهانی، نام کدخدا «شرم‌علی» با توجه به مهمانی آمدن مدام خود، از صنعت تضاد در انتخاب این نام بهره گرفته شده است. انتخاب نام افراد داستان و عنوان روستا و رفتار شخصیت‌ها براساس تضاد صورت گرفته است. داستان «گره کور» نیز، مربوط به اوایل انقلاب است که نامهای کوچکها و خیابانها و تمام نامهایی که به شاه ختم میشد را تغییر میدادند و درواقع انتقادی است بر جهل مردم که داشتن پسوند یا پیشوند شاه و شه را داشتن ارتباط با خانواده سلطنتی میدانستند. درواقع این داستان، نقد شاهانی بر نام خود است.

در داستان «ملخها» شاهانی با ساختن اسامی و عناوین وزارت‌خانه‌ها و سازمانها، مقامها و پستها، این شغلها و عناوین بیهوده را به تمسخر میگیرد: جناب آقای رئیس فلاح، دفع بلاهای آسمانی و آفتهای زمینی. یا «وزیر توزیع باد» در داستان «مرتضی بیچاره» و اداره کل تصفیه باد، در داستان «فرشته نجات».

۴-۱-۲- انتخاب اسامی متناسب با شغل یا مترادف و مطابق با ویژگیها و خصوصیات اخلاقی، روانی و جسمانی

یعنی نامهایی که با مسمای خود مترادف هستند، این ترادف یا به جهت شغل شخصیتها و یا به علت ویژگیهای شخصیتی آنها نهاده شده است. «انتخاب نام و نام خانوادگی یا اعطای نشان و لقب و عنوان، تا حد زیادی گویای تعلقات بالفعل و یا بالقوه دارند آن است، بطوری که یک پژوهشگر صاحب نظر میتواند براساس تامل در نام زادمایی، نام خانوادگی و احیاناً لقب و عنوان هر فرد، طبقه اجتماعی او را تشخیص دهد. در اروپا بیشتر شاهان، امیران و نخبگان جامعه، دارای لقب بودند. از نمونه آن میتوان به «ریچارد شیردل» در انگلیس، پسر

و جانشین هانری دوم در جنگهای صلیبی اشاره کرد. در ایران نیز پیش از اسلام بعضی از شاهان مانند: «اردشیر دراز دست»، «انوشیروان دادگر»، «یزدگرد بزهکار»، «اسکندر گجسته» و... لقب داشته‌اند. استفاده از القاب و عناوین، نمایشی از فرهنگ اشرافی است که گاه در یک داستان به روایت عینی گذاشته میشود و یا آنکه خود از بین رفته است و در بازماندگان آن، تنها الفاظ و اداهای بی‌روح بر جای مانده است. از نمونه‌های فرهنگ حاکم بر طبقات پایین اجتماع در نامهایی که بر آنها صفت‌های نامناسب و توهین‌آمیز و تحقیر کننده اضافه میشود میتوان به «شمسی کوره»، «حسن شعله»، «اصغر ریزه» اشاره کرد. (نام‌گزینی در روزگار سپری شده دولت‌آبادی، شیری: ۱۳۰)

در داستانهای مورد مطالعه، برخی اسامی و القاب به اقتضای شغل افراد در داستان، استفاده شده است. ابوالقاسم پاینده در داستان «هنر و ارباب هاضمه» در بیان انتخاب نام شخصیتها، متناسب با شغل و ویژگیهای شخصیتها مینویسد: «مقامات معتبر دولتی که به روزگاران پیش القاب و عناوین را توزیع کرده‌اند، در کار خود چندان دقت و بصیرت داشته‌اند که بیهوده کسی را **حضورالدوله** نکنند... **برهان‌الملک** نیز مانند **حضورالدوله**، صاحب لقب و عنوان و منصب و نشان است. من او را خوب میشناسم اما اطمینان دارم مردی معتبر است. شما نیز کوشش کنید همانند من باور کنید که این کلمات شکوهمند طبل میان تهی نیست و اگر عقلتان به ضلال افتاده و میپندارید که عنوان و لقب و نشان را عبث میدهند باید یک تسبیح هزار دانه بسازید و هر شب ده دوره تسبیح استغفار کنید که خطاهایی از این گونه ارزان تمام نمیشود، عواقب بدی دارد. اگر چنین بود من و شما هم یکی داشتیم. شما **قاری‌الدوله** بودید و من **کاتب‌الممالک** و این حروفچین سیه‌روز که چشم خود را در کار ردیف کردن حروف کور میکند تا این سطور را برای خواندن شما آماده کند، **رصاف‌الملک**. اما میبینید که چنین نیست. به یاد داشته باشید که جهان ما عرصه فرمانروایی کلمات است و هر که از ارزش کلمات میان تهی غافل است، به زحمت ممکن است سر سالم به گور برود. ... (مرده کشان جوزان، پاینده: ۲۲۰-۲۲۱)

اکثر اسم‌سازیه‌ها در داستانهای پاینده با پسوند «دوله» همراه است. میتوان گفت پاینده، به القاب بی‌شماری که بی‌جهت به اشخاص داده میشود، انتقاد میکند: «جد بزرگ من، **تیماردوله** بزرگ در جنگ هندوستان، اسب خاص نادرشاه را قشو می‌کرد (مرده کشان جوزان، پاینده: ۸۴)»، **فیلپور** برای پنجشنبه هفته بعد مرا برای ناهار دعوت کرده که **دغدغ‌السلطنه و تملق‌الدوله و بغیغ‌الملک** نیز حضور دارند. (مرده کشان جوزان، پاینده: ۲۴۲) «**محبوب‌العموم**... به تمام معنی **محبوب‌العموم** است. (مرده کشان جوزان، پاینده: ۲۴۰) یا نام آشپز در داستان «هنر و ارباب هاضمه» که «**فضول‌حضور**» است. و «**عبوس**

الدوله (دفاع از ملانصرالدین، پاینده: ۱۴۰)، **حماقت شعار**، **حماقت الدوله**، **املح الشعرا** (پاینده: ظللمات عدالت)

در برخی داستان‌های خسرو شاهانی نیز انتخاب نام شخصیتها براساس شغل یا صفات اشخاص صورت گرفته است، مانند **اقای اولادآبادی** (که از کثرت اولاد این نام به وی داده شده است). در داستان «جلسه معارفه»؛ «**آقای تمبر دوست**» (که کلکسیون تمبر دارد) در داستان «الکی خوش‌ها»؛ **بابا قرشاق دنبه‌خور**، **بابا کلاغ کوت‌کش**، **استاد سمندر آهک‌پز**، در داستان «نفر اول»؛ **براتعلی پشمی**، در داستان «تاجریشم»؛ **استاد نحوی**، **شیخ غنمی**، در داستان «تنوین غلط»؛ «**محبوب علی**» در داستان «هالو دوقبضه»؛ **چلوکبابی خوش‌گوشت**، **آقای فوتبال دوست**، **روزنامه دمدمه سحر**، **علی اصغر فدایی نسب**، **روزنامه خلق‌الساعه**، در داستان «قهرمان ملی»؛ **اردک‌پور**، **شهرستان غاز بندان**، **آقای گوش به فرمان**، **بخشدار اردک شهر**، در داستان «اردک‌پور»؛ **علیل الدوله**، **خادم المملکت**، **مفتخور الدیوان**، **قدرت الدیوان**، **اختیار الدوله**، در داستان «مردنکونام»؛ **شکم‌پرست**، **بی‌اشتها**، **تکیده صورت**، **نفس بریده**، **خشکیده روده**، **گردن ورامده**؛ در داستان «کشور خوش باوران»؛ **ابراهیم سخت‌جان**، **مدیر انستیتوی ساعت‌شمار**، در داستان «بازنشسته»؛ **حزب درهم فشرندگان**، **وجیه المله**، **حبیب المله**، **عزیز المله**، **شهر رنج آباد**، در داستان «کمدی ناتمام»

در داستان «ورزش سوئدی» حضور و غیاب عملیها، نشان میدهد که نامگذاری اسمی با توجه به خصوصیات روحی و ویژگیهای شخصیتی آنها صورت گرفته است:

معلم-بفرمایید... مبصر کلاس حاضر و غایب کن آقا

مبصر- **اصغر مامانی**... حاضر... **رجب ننه**... حاضر... **غلام خرکچی**... حاضر... **باقر صابونی**... جمال‌تو عشقه (معلم میزند روی میز) **حسین تخته‌دار**... حاضر... **علی شاعر**... (بوبول، پزشکزاد: ۷۷)

در داستان زندگی قسطی، راوی نام فرزندش را «**فرزانه**» میگذارد چون به تازگی از فروشگاه فرزانه بازگشته است! (ستاره‌های شب تیره، تنکابنی: ۶۲)

۴-۱-۳- ساخت اسامی با ترکیب نام حیوان با انسان:

نامهایی که با آمیختن قطبهای زبانی و ترکیب انسان و حیوان تشکیل شده و دارای تلخی و گزندگی بسیار است. مانند: **شغال‌الدوله**، **تیمارالدوله** (مرده کشان جوزان، پاینده: ۸۵) **عنترالدوله** (دفاع ملانصرالدین، پاینده: ۱۱۰)، **سوسمارالدوله**، (ظللمات عدالت، پاینده: ۳۴)

۴-۱-۴- استفاده از اسامی مخفف و شکستن اسامی

در داستان «شوشو» ابوالحسن خان پس از آمدن میهمانان، فرزندان خود را چنین معرفی میکند: «بزرگه کامران، کوچیکه شباهنگ». اما همسرش قمر فرزندان را طوری صدا میزند که سبب ایجاد طنز میشود: «قمرجون- والله شوشو که خوابیده، کامی هم همین جاهاست (صدا میکند) کامی جان، کامی جان... یک دقیقه بیا اینجا. (بوبول، پزشکزاد: ۱۶)

در داستان «موشی» انتخاب نام «موشی» مخفف مهوشی یکی از شخصیت‌های داستان است، اما برای شنونده، نامی کودکانه را متبادر میسازد. رئیس دادگاه پس از ورق زدن پرونده، اسم و رسم شاکو و طفل را پیدا میکند و میگوید:

رئیس- (به خانم) شما مادر موشی هستید؟

خانم- نخیر آقا... بنده موشی هستم! (همان: ۳۱)

در داستان «هدیه فرشتگان» انتخاب نام «زوزو» نیز به جای «آرزو» انتخاب است: «زوزو یا آرزو با من نسبت دوری دارد ولی هنوز به عادت بچگی مرا داداش صدا میکند. (همان: ۱۲۲) در داستان «موش» نیز، نام شوهر سابق مهین «موش» است. (همان: ۹۸)

و اسامی: جف و ممدی در «داستان ماشالله در بارگاه هارون الرشید»: «صدای سیروس: جف، گفتم درو باز کن میدانم خانه هستی (ماشالله خان در بارگاه هارون الرشید، پزشکزاد: ۷۰)

حاجی: سلام عرض میکنم

-چیه تویی ممدی؟ نمیشود بعدا زنگ بزنی (همان: ۹۳)

و اسامی: ففر و ممل در داستان «خانواده نیک اختر»: «آره این بچه‌های فامیل خودش را ففر مقایسه میکند، ففر ما و ممل شما چه ربطی به پسر و آن داداش خل و چل منیر خانم دارند؟ (خانواده نیک اختر، پزشکزاد: ۶۳)

در داستان «فرهاد بی‌بنیاد»، فرهاد، شیرین را «شوشو جان» و شیرین او را «ففر جان» صدا میکند.

۴-۱-۵- استفاده از تلفظ نادرست اسامی توسط برخی شخصیتها

پزشکزاد در انتخاب نام اشخاص دقت فراوان دارد. در نمایشنامه «ادب مرد به ز دولت اوست» شخصیت «عمه خانم» پیرزنی عامی و گران‌گوش است. پزشکزاد با توجه به این ویژگی عمه‌خانم، شخصیت‌ها را نامگذاری میکند: «آقای پرنگ»، «پورآب فروش» و «آتیش‌کار». عمه خانم این اسامی را با توجه به گران‌گوشی خود اینگونه جایگزین میکند: «آقای پلنگ»، «جوراب‌فروش» و «آجیل‌خوار»:

- عمه خانم: خدا مرگم بده، چرا داد میزنی؟ مگر من گوشم کره؟ فهمیدم دیگر... خوش آمدید، بفرمایید آقای پلنگ! (با خود) وا، خدا مرگم بده! چه اسم‌ها آدم میشوند! پورعلیزاده: ها! ماشاءالله خوب فهمیدی! باز هم جای شکرش باقی است، تا پلنگ رسید خودش خیلی است، ممکن بود بلا نسبت خرس و کرگردن بشود. (ادب مرد به ز دولت اوست، پزشکزاد: ۲۸)

- پرنگ: خیلی خوش‌وقتم آقای جوراب‌فروش.

پورعلیزاده (خنده) جنابعالی هم همان اشتباه خانواده بنده را میکنید، آقا اسمشان جوراب فروش نیست، پورآبفروش است، پورآبفروش لنگرودی (همان: ۴۸)

- عمه خانم: میتی خان، نفهمیدید ملیحه کجا رفت؟ ده! سلام آقای پلنگ، چگونه احوال سلامتی شما؟ او، میتی خان شما مهمان دارید؟ ... باید بیخشید ها من...
عمه خانم: فهمیدم: این قدر داد نزن، میتی. گوشم کر که نیست.
پورعلیزاده: نخیر شکر خدا این وصله‌ها به شما نمی‌چسبند.

عمه خانم: فهمیدم آقای دکتر آجیل‌خوار

پورعلیزاده: ها ماشاءالله! اتفاقاً ایشان اهل آجیل هم هستند. (همان: ۱۲۵)

در داستان «پسر حاجی باباخان» «جعفر» یکی از شخصیت‌های اصلی داستان به دلیل لکنت زبان نمیتواند کلماتی را که با هجای «می» شروع میشود بخوبی ادا کند، بنابراین پزشکزاد، نامهایی همچو «مینو»، «میس ناتالی» و «حاجی میرزا» را انتخاب میکند تا جعفر هنگام تلفظ آنها با مشکل مواجه شود:

- جف: اما یک پاکت خیلی فوری دارم، باید برسانم به می‌می‌نو... می‌می‌نو خواهر تورج... بله می‌میخواهم خواهش کنم عصری، وقتی کارتان تمام شد، سر راه منزل تشریف بیاورید اینجا، این پاکت را می‌میگذارم روی میز (پسر حاجی باباجان، پزشکزاد: ۹)

- جف: سیروس خان حالا می‌می‌شود نمره تلفن می‌میس ناتالی را برای من ازش بگیرید؟ (همان: ۱۰)

در داستان «خاخا» نیز مد حسین خان دارای لکنت زبان است و نمیتواند با مادرزنش که به علت بارداری زود هنگام دخترش از دست او عصبانی است، صحبت کند، مادرزن هر بار که تلفظ خا... خا... را از وی میشنود، سخنان دیگری را تصور میکند:

مد حسین خان: خا... خا... خا...

عشرت الملوک: خانه ما ساس داره؟ خدا نصیب نکنه، توی خانه من ساس باشه... اگر زودتر آمده بودید یک خاکی به سرم می‌کردم.

مد حسین خان: خا... خا... خا...

عشرت الملوک - خواستی بیاریش؟ بعله خواستی بیاریش وسیله نبود. خواستی دور از جون بر سه پای مرگ آنوقت بیاریش... این از اون حرکت زشتت که منتظر عروسی نشدی. اینم از دستۀ گل دومت

مد حسین خان: خا...خا...خا...

عشرت الملوک: خاطر جمع با شم. بعله آقا که باکیه شان نیست. بجه من نباید ناله کنه. آبرو ریزیش هم مهم نیست که بعد از چهار ماه عروسی، این مادرمرده نه ماهه حامله است. مد حسین خان (با فشار) خا...خا...خا...

عشرت الملوک - خاطر خواه بودی؟ میخواستم هفتاد سال خاطر خواه نباشی...

در پایان بعد از چند صفحه، در پایان مدحسین خان سرانجام با فشار میتواند صحبت کند:

مد حسین خان: خا...خا...خا...خانم جون عصبانی نشوید. (بوبول، پزشکزاد: ۸۵-۹۰)

در داستان «لولو عینکی»، از پزشکزاد، از اسامی برای موضوع ترساندن کودکان استفاده شده است، راوی که عینکی است برای بغل کردن کودکی اقدام میکند، ولی کودک میترسد زیرا مادر و پدرش به تازگی او را از «لولو عینکی» میترسانند. در همین داستان، مهری، دخترکی که در کودکی از رنگریزی به نام «اسدالله» در حالی که پشم در دست داشته ترسیده است و پدر و مادرش با واژه «اسدالله پشمی» از این ترس دختر برای مطیع کردن او استفاده میکنند و این ترس تا زمان ازدواج با مهری باقی میماند. پس از عقد مهری متوجه میشود که نام اصلی داماد (مسعود) اسدالله است. مهری هر شب از خواب پریده و فریاد کنان نام «اسدالله پشمی» را صدا میزند.

در داستان «عروس فرنگی» از خسرو شاهانی، عروس فرنگی (ژانین) بخاطر بلد نبودن زبان فارسی، اسامی و القاب را در مهمانی معارفه او با اهل فامیل اشتباه می‌گوید. جناب مستطاب امیر برهان افتخار الخروار، را «بارون خره»، دایی احمد را «دایی احمق»، مادام بانو کبک خرام را «مادام نمک به حرام»، مادمازل فرازنوش را «ممازل دراز گوش»، داداش پرویز را «داداش پفیوز»، عمه خاطره را «عمه قاطره»، خاله فروغ‌رو را «خاله دروغ‌گو»، پسر عمو عباس را «پسر عمو رقاص»، همشیره زاده آقای بولاغه را «همشیره زاده مسیو الاغه» و مسیو مزده را «مسیو شارلاتان» می‌خواند.

۴-۱-۶- استفاده از اسامی شبیه به هم

در داستان «ستاره‌های شب تیره» تنکابنی با به کار بردن اسامی تکراری نزدیک به هم، افراد تکراری، حرفهای تکراری و کارهای تکراری، به ابتذال و پوچی و بی‌هدفی زندگی کارمندان نیشخند میزند و بی‌انگیزه بودن آنها را به تمسخر میگیرد.
- آقای محمدی میگوید: امروز اتوبوس افتضاحتر از هر روز بود.

آقای **محمدیان** میگوید: باز با راننده تاکسی دعوا می‌شد.

آقای **محمدزاده** میگوید: نخیر، این وضع اصلاح‌شدنی نیست.. (اسیر خاک، تنکابنی: ۱۳) در داستان «یک اشتباه جزئی» از خسرو شاهانی، مخابرات در وصل تلفن به خاطر تشابه اسمی «عطا ده آفرین» و «عطا صد آفرین» دچار اشتباه شده است.

۴-۱-۷- استفاده از تضاد بین نامهای جدید و قدیم

در داستان «اسم رمانتیک» سید ابوطالب خان، با وجود رسیدن به چهل سالگی، به اصرار زنش مجبور میشود نام «**ففر**» را قبول و تحمل کند، به علاوه دخترش هم با توجه به ناتوانی در امر تحصیل، به «**ماریانا**» تغییر نام داده است: «حالا وقتی اسم من "**ففر**" بشود، فکر کن بچه‌ها چه شده‌اند. باز اسم جدید من فارسی است. دخترم آفاق بعد از سالها تحصیل و سه سال درجا زدن در کلاس سوم متوسطه اخیراً به "**ماریانا**" تغییر نام داده است. (بویل، پزشکزاد: ۱۳۶)

در همین داستان، پس از متولد شدن فرزندان **یدالله خان**، بین او و زنش «**عشرت السادات**» بر سر نامگذاری دختران دوقلو اختلاف می‌افتد. نامهای انتخابی این دو برای فرزندانشان با هم تناسب ندارد. یدالله خان برای آنها نامهای "**سکینه**" و "**معصومه**" را انتخاب کرده ولی زنش اصرار دارد بر آنها نامهای "**ریتا**" و "**ویدا**" بگذارد. تلاش هیات حل اختلاف هم نتیجه نمیدهد. بالاخره بر اثر فشار اداره آمار و وساطت ریش سفیدان، هر کدام از دختران را یکی از والدین نامگذاری میکنند: «یدالله خان دختر سهم خودش را "**ربابه**" نام گذاشت و **عشرت السادات** سهم خود را "**ویرجینا**" نامید. اما چند روز پس از تحقیقات معلوم شد علت اختلاف جدید این است که علیرغم عهد و پیمان عدم تعرض، **عشرت السادات**، ربابه یدالله خان را "**باربارا**" مینامد و یدالله خان هم از لج زنش **ویرجینا**ی طفل **معصوم** چند ماهه را "**فخر الحاجیه**" صدا میکند. (بویل، پزشکزاد: ۱۳۸)

در داستان «شوشوجان» نیز پدر «**ابوالحسن خان**» و مادر «**قمر**» نامهایی قدیمی و سنتی دارند ولی اصرار قمر برای نامیدن فرزندان، «**کامران**» و «**شباهنگ**» به «**کامی**» و «**شوشو**»، بین نامهای سنتی و جدید (در نحوه تلفظ) تضاد ایجاد کرده است.

۴-۱-۸- استفاده از اسامی مشهور و تاریخی

بعضی از نویسندگان برای نامگذاری کتاب و قهرمانان داستان از اسامی مشهور استفاده کرده و با این روش به ناهماهنگی و تضاد بین شخصیت اصلی داستان و فرد مشهور اشاره میکنند. خواننده هنگام رویارویی با این‌گونه نامها، متوجه تفاوتها شده و ذهنش از یک نام و عنوان جدی و معروف به یک مطلب شوخی و خنده‌دار کشیده میشود.

پزشک‌زاد در داستان «آسمون ریسمون» با اشاره به اسامی تاریخی مینویسد: «اگر **حاتم طایبی** را در خواب دیدید، پس از بیدار شدن دقت فرمایید ممکن است گرسنه باشید. اگر **نیوتن** را در خواب دیدید، به خوردن سیب احتیاج فراوان دارید. اگر **انوشیروان عادل** را در خواب دیدید، ممکن است در حق کسی ظلم کرده باشید، خوردن تخم آفتاب‌گردان مفید است. اگر **پاستور** را در خواب دیدید، ممکن است میکروبی در بدن شما پیدا شده باشد.» (پزشک‌زاد، ۲۵۳۶: ۲۳)

پزشک‌زاد در داستان «فرهاد بی‌بنیاد»، شخصیت اصلی **فرهاد و شیرین** را در داستان خود به خدمت می‌گیرد و آنها را به زمان معاصر میکشاند و اتفاقاتی که برایشان رخ میدهد را گزارش میکند. به علاوه در داستان «اولین گفتگوی آدم و حوا» دو شخصیت **آدم و حوا** با نام‌های اصلی خودشان در داستان حضور دارند.

۴-۱-۹- استفاده از اسامی مشهور تاریخی همراه با تضاد

در داستان «خانواده نیک اختر» «خان عمو» برای نشان دادن شباهت ظاهری و دروازه تضاد بین شخصیت مورد نظر و اشخاص معروف، از اصطلاح «**بچه بغل آن آدم**» استفاده می‌کند:

نیک اختر- ببینم! تو اسم هم‌اورد به گوشت آشنا نیست؟ جایی نشنیده ای؟

خان عمو- چرا در شاهنامه خیلی دیده‌ام.

نیک‌اختر- فقط؟ پس معلوم می‌شود از مبارزات اوپوزو سیون خارج از کشور هیچ خبر نداری؟

خان عمو- می‌خواهی بگویی تو مشغول مبارزه‌ای؟ به‌به! **بچه بغل یاسر عرفات!** (خانواده نیک اختر، پزشک‌زاد: ۳۰)

بدری- واخ واخ! ففر من به کلفت نگاه کند؟! پسری که دخترهای خوشگل پولدار از صبح تا شب پاشنه در خانه ما را درمی‌آورند، دنبال کلفت باشد؟ ترا خدا اصلاً حرفش را هم ننزید. صحبتش را که می‌کنید، طوری عصبانی می‌شوم که می‌خواهم سر یکی را بشکنم!

صدایی از پشت سر- **بچه بغل صدام حسین!** (همان: ۴۳)

بدری- ففر چون امروز نتیجه یکی از امتحان‌های مهمش را گرفته که قبول شده

خان عمو- به‌به! مبارک است! چه درسی؟

بدری- همین درس سینما دیگر

خان عمو- به‌به! **بچه بغل آلفرد هیچکاک!** ماشاءالله این پسر همه نبوغ پدرش را به

ارث برده! (همان: ۹۹)

۴-۱-۱۰- استفاده از تشابه اسم شخصیت داستانی با شخصیت‌های تاریخی

در داستان «ماشالله خان در بارگاه هارون الرشید» پزشکزاد، جواهرفروشی را که از ماشالله خان به جرم دزدی جواهر شکایت کرده است، «آقای هارون» می‌نامد. این نام با هارون الرشید خلیفه عباسی که اهدا کننده جواهر به ماشالله خان است، تشابه دارد: - یک باردیگر در محضر دادگاه بگویید که در چه شرایطی این انگشتر را به دست آوردید. - قربان، اگر عرض کنم ممکن است باور نفرمائید. - با وجود این بگویید.

- عرض شود که وقتی هارون این انگشتر را به بنده داد... فریاد وکیل شاکی بلند شد:

- ملاحظه می‌فرمایید، جناب رئیس دادگاه، متهم اقرار میکند که انگشتر را آقای هارون به او داده است، این را امر بفرمایید در صورت جلسه بنویسند تا بنده با دلایل محکم ثابت کنم که بر خلاف ادعای متهم، موکل من انگشتر را به میل خودش به او نداده، بلکه متهم از او دزدیده است.

رنگ ماشالله خان سرخ شد.

- حرف دهنش را بفهم، دزد باباته! آقای رئیس چرا به این وکیل اخطار نمی‌کنید که به ما نسبت دزدی میدهد - به ایشان هم اخطار میکنم. شما فقط به سوالات من جواب بدهید. گفتید انگشتر را کی به شما داد؟

- قربان عرض کردم هارون. اما مقصودم این موسیو هارون نبود. این موسیو هارون جان به عزرائیل نمی‌دهد چه برسد که انگشتر بدهد آن هم به من. این انگشتر را هارون الرشید به بنده یادگاری مرحمت کردند. (ماشالله خان در بارگاه هارون الرشید، پزشکزاد: ۲۶۲-۲۶۳)

۴-۱-۱۱- استفاده از اسامی که ذهن را به یاد نام دیگری می‌اندازند

در داستان «بوبول» پزشکزاد با انتخاب نام بوبول برای سگ و اتفاقاتی که در شب زفاف برای داماد می‌افتد و توصیفاتش که داماد از بوبول برای مادر و پدرش ارائه میدهد، ذهن خواننده را به یاد اندام جنسی مردانه می‌اندازد.

نتیجه‌گیری

داستان پرداز خوب کسی است که برای آفریدن یک اثر ماندگار، علاوه بر توجه به عبارات و مفاهیم، کلمات و نامهای داستان و اسامی شخصیت‌های داستانش را با دقت انتخاب کند. او در انتخاب کلمات و چگونگی جایگیری واژه‌ها در عبارات وسواس به خرج میدهد. بطوری

که برای نامگذاری قهرمانان داستان خود هیچگاه از اسامی پرکاربرد اجتماع و اسامی عادی استفاده نمیکند.

جدول عناوین داستانها در آثار مورد مطالعه

نویسنده	عناوین بسیط	ترکیب اضافی	ترکیب وصفی	به صورت جمله	عناوین عامیانه	ترکیبی از دو قطب متضاد
پاینده	۵	۱۵	۳	-	۹	۱
پزشکزاد	۵	۷	۸	-	۱۱	-
شاهانی	۱۶	۲۴	۱۲	۲	۲	۴
تنکابنی	۹	۳۴	۵	۱۰	۴	-

همانطور که از جدول مشخص میشود، تنها تنکابنی و شاهانی عناوین داستانها را به صورت جمله آورده‌اند. عناوینی با بار معنایی عامیانه نیز بیشتر در داستانهای پزشکزاد و پاینده دیده میشود.

جدول اسامی شخصیتها در آثار مورد مطالعه

نویسنده	متضاد یا شخصیت داستانی	مترادف یا شخصیت داستانی	ترکیب نام انسان و حیوان	اسامی مخفف	تلفظ نادرست اسامی	اسامی شبیه به هم	تضاد اسامی جدید و قدیم	تضاد یا تاریخی اسامی	تضاد یا تاریخی اسامی	تشابه با امور ممنوعه	تشابه با اسامی تاریخی
پاینده	۱۲	۱۷	۴	-	-	-	-	-	-	-	-
پزشکزاد	-	۶	-	۱۱	۶	-	۸	۸	۳	۱	۱
شاهانی	۳۰	۳۶	-	-	۱۰	۲	-	-	-	-	-
تنکابنی	-	۱	-	-	-	۳	-	-	-	-	-

همچنانکه از مشاهده در جدول نیز مشخص میشود، از بین داستان‌نویسان مورد مطالعه، فریدون تنکابنی زیاد به اهمیت انتخاب عناوین داستانها و شخصیت‌های داستانی معتقد نبوده زیرا در بررسی مجموعه داستانهای وی اصولاً شخصیتها نامی ندارند. اما پاینده و شاهانی و پزشکزاد از اهمیت نامگذاری بر عناوین و شخصیت‌های داستانی خویش به خوبی آگاه هستند. لقب‌سازی برای نشان دادن ویژگیهای روحی و ظاهری شخصیت‌های داستانی، یکی از خلاقیت‌های ذهن این سه نویسنده است که به عنوان راهی برای نشان دادن زوایای پنهان اشخاص به خدمت گرفته شده است. پاینده، شاهانی و پزشکزاد، شخصیت‌های هر داستان را با توجه به ویژگیهای فردی نامگذاری میکنند. روشهای تضاد، مترادف، اسامی مخفف، بازی با اسامی و... از شیوه‌های نام‌گزینی برای شخصیت‌های داستانی در بین نویسندگان مورد مطالعه هستند.

پاینده برای برجسته کردن شخصیت‌های داستانی‌اش، عناوینی به آنها میدهد که برخی از اسامی بیان‌کننده ویژگی بارزی در آن اشخاص است، اما در بیشتر موارد، برداشت معکوس

مورد توجه نویسنده بوده است که همین شگرد، گیرایی کلام او را دوچندان کرده است. اکثر اسم‌سازیها در داستانهای وی با پسوند «دوله» همراه است. وی با تصرفی که در القاب و عناوین میکند، تلاش دارد تا نشان دهد که این تعبیر در درون خود از چه ویژگیهای فرهنگی و غیر اخلاقی برخوردار هستند. او با نشان دادن اوج سفاهت شخصیتها، با همراه کردن پسوند دوله، که بسامد بالایی در داستانهایش دارد، سران‌بی‌سواد و نالایق را به باد انتقاد و استهزاء میگیرد.

تمامی نامها در عناوین داستانها، عناوین شهرها، محلهها، سازمان و ادارات دولتی در داستانهای شاهانی تامل‌برانگیزند و حاکی از نگاه ژرف‌نگر، نکته‌سنج و باریک‌بین او به اوضاع سیاسی-اجتماعی زمانه‌اش دارد. اسامی طولانی و پر طمطراق بعضی اشخاص داستانهایش انتقادی بر این دیدگاه مردم عوام است که این القاب و عناوین را نشانه‌ای از اصالت خانوادگی می‌دانستند.

پزشکزاد با استفاده از اسامی مشهور به شیوه‌های مختلف گاهی با تضاد بین شخصیت اصلی و فرد مشهور، گاهی با تشابه ظاهری و گاهی نیز با آوردن اسامی مشهور به عنوان شاهد مثال و یا برای مقایسه بدون در نظر گرفتن شخصیت اصلی داستان، به انتخاب نامهای شخصیتهای داستانی داستانهای خود دست زده است. استفاده از نامهای مشهور روشی است که پزشکزاد به زیبایی و با تبحر خاص از آن استفاده کرده است. او در هر داستان، شخصیتها را به شیوه‌ای خاص و نه تکراری نامگذاری کرده است. اما اشخاص داستانی در آثار پزشکزاد تکرار میشوند که این خود یکی از عیوب وی محسوب میشود. (شهین، مهین، دکتر کاظم خان و...)

منابع

- آسمون ریسمون (۲۵۳۶) پزشکزاد، ایرج، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی
- اسیر خاک (۱۳۵۷) تنکابنی، فریدون، تهران، امیرکبیر
- بوبول (۱۳۴۶) پزشکزاد، ایرج، چاپ دوم، تهران، انتشارات نیل
- پسر حاجی باباجان (۱۳۸۷) پزشکزاد، ایرج، چاپ اول، تهران، پژوه
- تحلیل تطبیقی عنوان داستان در آثار صادق هدایت و زکریا تامر - (۱۳۹۳) محمدی، ابراهیم و عفت غفوری حسن آباد و عبدالرحیم حقدادی. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشهای ادبیات تطبیقی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۹۱-۲۱۷
- تحلیل نشانه-معناشناختی رمانهای سیاسی فارسی از ۱۳۵۱-۱۳۸۰ (۱۳۹۰) گرجی، مصطفی، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۰، صص ۱۸۳-۲۰۵

- خانواده نیک اختر (۱۳۹۰) پزشکزاد، ایرج؛ چاپ سیزدهم، تهران، آبی
- خوانش هرمونتیکی نام داستان در سه قطره خون صادق هدایت و ربیع فی الرماد زکریا تامر (۱۳۹۳) محمدی، ابراهیم و حبیب الله عباسی و عفت غفوری حسن آباد. سال چهارم، شماره ۱۳، کاووش نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی-فارسی) دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه، صص ۱۴۵-۱۶۹
- داستان و شخصیت‌پردازی در داستان (۱۳۸۱) عبداللهیان، حمید، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تابستان و پاییز، صص ۴۰۹-۴۲۵
- درسهایی درباره داستان نویسی (۱۳۷۸) بیشاب، لئونارد، ترجمه محسن سلیمانی، چاپ اول، تهران، سوره
- دستور زبان داستان، (۱۳۷۱) اخوت، احمد، چاپ اول، اصفهان، فردا
- ساختار و عناصر داستان (۱۳۷۸) پارسی نژاد، کامران، تهران، نشر سوره
- سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها (۱۳۹۱) فتوحی، محمود، تهران، سخن
- ستاره‌های شب تیره (۱۳۴۷) تنکابنی، فریدون، چاپ اول، تهران، امیرکبیر
- شعر معاصر عرب (۱۳۸۰) شفیعی کدکنی، محمد رضا، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن
- شیوه‌های شخصیت‌پردازی (۱۳۸۰) عبداللهیان، حمید، مجله ادبیات داستانی، شماره ۵۴، صص ۶۲-۷۰
- کمندی افتضاح (۱۳۵۳) شاهانی، خسرو، چاپ دوم، تهران، پرستو
- ماشاالله خان در بارگاه هارون الرشید (۱۳۸۴) پزشکزاد، ایرج؛ چاپ اول، تهران، صفی‌علیشاه
- مجموعه مقالات چهارمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر به انضمام مطالعات هم‌اندیشی سینما (۱۳۸۸)، کنگرانی، منیژه، تهران، فرهنگستان هنر
- مرده کشان جوزان (۲۵۳۷) پاینده، ابوالقاسم، چاپ دوم، تهران، جاویدان
- مطالعه روابط یک متن با دیگر متنها (۱۳۸۶) نامور مطلق، بهمن، پژوهش‌نامه علوم انسانی، ماره ۵۶، صص ۸۳-۹۸
- مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران (۱۳۶۴) حلبی، علی اصغر، چاپ اول، تهران، پیک
- نام‌گزینی در روزگار سپری شده دولت‌آبادی (۱۳۸۷) شیری، قهرمان، فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات فارسی، سال هجدهم، شماره ۷۴، صص ۱۱۳-۱۴۴

- نظریه ادبیات (متنهایی از فرمالیستهای روس) (۱۳۸۵) تودوروف، تزویان، ترجمه عاطفه طاهایی، چاپ اول، تهران، اختران
- نقب و نقدی بر عنوان‌شناسی کتابها و اشعار سلمان هراتی (۱۳۸۹) گرجی، مصطفی و فرهاد درودگریان و سیده ساره میری، کتاب ماه ادبیات، ماره ۴۶
- نگاهی به معیارهای زیبایی‌شناسی در انتخاب نام کتابها (۱۳۷۸) مهیار، محمد، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، اردیبهشت، صص ۵۲-۵۳
- هنر داستان‌نویسی (۱۳۹۳) لاج، دیوید و دیگران، ترجمه رضا رضایی، چاپ سوم، تهران، نشر نی
- هنر داستان‌نویسی (۱۳۷۹) یونسی، ابراهیم، چاپ ششم، تهران، نگاه